



نقش علامه امینی در پاسداشت واقعه غدیرخم/ اعتراف اندیشمندان اهل سنت به نقش وحدت آفرین «الغدیر»

علامه امینی در عصری دست به نگارش کتاب گرانسنگ «الغدیر» زد که بسیاری از نویسندگان عرب در آثار و تألیف های خود، اندیشه شیعه را به چالش کشانده و از هیچ تهمت و افترائی علیه مکتب تشیع دریغ نمی کردند و او در پاسخ به این هجمه های جاهلانه، با نگارش «الغدیر» و نام بردن از 110 تن از صحابه و 84 نفر از تابعین پیامبر (ص) که حدیث غدیر را روایت کرده اند، ولایت مطلقه ائمه معصومین را از طریق اثبات خلافت بلافصل امام علی (ع) اثبات می کند.

نقش علامه امینی در پاسداشت واقعه غدیرخم/ اعتراف اندیشمندان اهل سنت به نقش وحدت آفرین «الغدیر» علامه امینی در عصری دست به نگارش کتاب گرانسنگ «الغدیر» زد که بسیاری از نویسندگان عرب در آثار و تألیف های خود، اندیشه شیعه را به چالش کشانده و از هیچ تهمت و افترائی علیه مکتب تشیع دریغ نمی کردند و او در پاسخ به این هجمه های جاهلانه، با نگارش «الغدیر» و نام بردن از 110 تن از صحابه و 84 نفر از تابعین پیامبر (ص) که حدیث غدیر را روایت کرده اند، ولایت مطلقه ائمه معصومین را از طریق اثبات خلافت بلافصل امام علی (ع) اثبات می کند. به گزارش خبرگزاری مهر، شعر در صدر اسلام به عنوان سریعترین و ماندگارترین رسانه محسوب می شده و در واقع اساس کار مرحوم علامه امینی (ره) در مجموعه 11 جلدی «الغدیر» راجع به همین مسئله است که وی دیدگاه شعرای بزرگ عرب را از کلمه «مولا» و قصه غدیر مورد بررسی قرار می دهد. از معجزات الهی این بود که یک شاعر پر توان به نام «حسان بن ثابت» که در واقعه غدیر حضور داشته است، پس از خطابه پیامبر (ص) در مورد ولایت حضرت علی (ع) از پیامبر اجازه می گیرد که این واقعه را به شعر بیان کند و او بلند می شود و در قصیده ای قراء این واقعه را می سراید و ماندگار می شود.

سروده عمرعاص در مورد واقعه غدیر خم

علامه امینی به بررسی اشعار شعرایی از این دست که معروف هستند پرداخته است و بررسی می کند که مثلا در قرن اول که حسان بن ثابت در واقعه غدیر بوده و شعر گفته است استنباطش از مولا و غدیر چه بوده و یا در قرن دوم که «کمیت اسدی» بوده است چگونه و به همین ترتیب جلو می رود. از نکات جالبی که مرحوم علامه امینی بدان پرداخته این است که علامه در «الغدیر» به شعری از یکی از شعرایی که به واقعه غدیر به همان نحوی که در باور شیعه است، اشاره می کند و این شاعر یکی از دشمنان اهل بیت (ع) و امیرالمؤمنین (ع) است و او کسی نیست جز عمروعاص.

عمروعاص قصیده ای دارد به نام «جلجلیه» که از شاهکارهای ادبی عرب است. وقتی معاویه عمروعاص را به فرمانداری مصر منصوب می کند، پس از مدتی از او خراج مصر را طلب می کند و با شانه خالی کردن عمروعاص از پرداخت مالیات، معاویه او را تهدید می کند که اگر خراج مصر را ندهی تو را عزل می کنم و عمروعاص در جواب معاویه این قصیده را می فرستد. جلجل صدای زنگ شتر را می گویند و عمروعاص در آخر قصیده خطاب به معاویه می گوید نگذار این شتر گردنش تکان بخورد و صدای جلجل بلند شود که آبروی تو می رود. این قصیده دقیقا به مر غدیر و خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) بر اساس همان اعتقاد شیعه اشاره می کند. حتی بزرگان مذاهب اهل سنت مثل شافعی شعرهایی در مورد امیرالمؤمنین (ع) دارد که اگر کسی نداند فکر می کند سید رضی آن را سروده است آنجا که می گوید: "لَوْ أَنَّ الْمُرْتَضَى أَبَدَى مَحَلَّةَ لَصَارَ النَّاسُ طَرًّا سَجْدًا لَهُ وَ مَاتَ الشَّافِعِيُّ وَ لَيْسَ يَذُرُّ عَلَيَّ رِثَةً أَمْ رِثَةُ اللَّهِ" یعنی «اگر علی جایگاه و حقیقت خویش را برای مردم آشکار کند، هر آینه مردم دسته دسته در برابر او به سجده خواهند افتاد، شافعی مُرد و عاقبت نفهمید پروردگار او علی است یا خدا." شافعی در این شعر آنقدر غلو می کند که به حضرت علی (ع) مقام ربوبیت می دهد.

مقابله یک تنه علامه امینی در برابر تحریف بزرگ تاریخی

در عصر علامه امینی بسیاری از نویسندگان عرب در آثار و تألیف های خود، اندیشه شیعه را به چالش کشانده و از هیچ تهمت و افترائی علیه مکتب تشیع دریغ نمی کردند. علامه امینی با بسیاری از آنان از طریق نامه یا ملاقات حضوری تماس می گرفت و به درست نویسی و حق جویی دعوتشان می کرد و علما و بزرگان را بدان پاسخ های علمی و منطقی به آنها ترغیب می کرد تا شاید از نگارش و سخنرانی های تفرقه افکن بپرهیزند.

علامه امینی (1320 - 1390 ه. ق) برای تألیف کتاب گرانقدر الغدیر که در اثبات حقانیت مولی الموحدين (ع) تاثیر بسزایی داشته است، زحمات بسیاری را متحمل شد. علامه امینی شخصیتی است که يك تنه در برابر تحریف کنندگان تاریخ قیام کرد و با قلم توانا و آتشین و در عین حال منطقی و علمی خود، پرده ها را کنار زد و حقایق را از لابلای زوایای تاریک تاریخ، بیرون کشید.

بیش از پنجاه سال است که از تدوین کتاب الغدير می‌گذرد و با اطمینان می‌توان گفت که جامعه محققین اعم از شیعه و سنی با نام الغدير و با نوشته‌های علمی و عمیق و محققانه و پر احساس علامه امینی آشنا هستند. اما در طول این زمان هنوز کسی نتوانسته برای الغدير حتی صفحه‌ای ردیه و یا نقدی که قابل اعتنا باشد، بنویسد و این خود نشانگر استحکام و متقن بودن مطالب این کتاب است که حتی مخالفین شیعه نیز نتوانسته‌اند اشکالی بر آن وارد نمایند.

علامه امینی در شبانه روز حدود 17 ساعت مطالعه و کار می‌کرد و برای مطالعه کتبی که در دسترس نداشت رنج سفرهای گوناگونی به جان خرید؛ علامه در این باره می‌گوید: من برای نوشتن الغدير 10 هزار جلد کتاب از «؛باء» بسم الله تا «؛تاء» تمت آن خوانده‌ام و به 100 هزار جلد کتاب، مراجعات مکرر داشته‌ام.

علامه امینی در این مجموعه با نقد آثار و تألیفات کسانی چون ابن تیمیه، آلوسی، قصیمی، و رشید رضا، در صدد بر آمد وحدت و اخوت اسلامی را در جهان اسلام گسترش و تخمهای کینه و نفاق و تفرقه را بخشکاند. علامه امینی در کتاب الغدير به ترتیب حروف الفبا به ذکر راویان حدیث غدير از صحابه پیامبر (ص) می‌پردازد. وی 110 تن از اصحاب را نام می‌برد که حدیث غدير را روایت کرده‌اند و به نام 84 تابعی اشاره می‌نماید. سپس طبقات راویان حدیث غدير از علما را بر می‌شمارد و از علمای قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم، 360 تن را ذکر می‌کند که حدیث شریف غدير را نقل کرده‌اند.

مجموعه 11 جلدی الغدير به زبان عربی، با نثری شیوا و رسا نگارش یافته است و از مهمترین نکات قابل توجه این است که علامه امینی بر خلاف اکثریت علما، به صورت کانالیزه مطالعه نمی‌کردند و در مورد موضوع تحقیقی خود تنها به متون رشته‌ای خاص مراجعه نمی‌نمودند. بلکه به تمامی منابع مطبوع و مخطوط موجود که به آن موضوع خاص پرداخته بودند رجوع نموده و در تحلیل‌های علمی خود از همگی آنها استفاده می‌کردند. وی برای نگارش الغدير کلیه کتاب‌های تفسیری، روایی، تاریخی، رجالی، انصاب، لغت، و دواوین شعری را با دقت، مورد مطالعه قرار داده‌اند. با عنایت به همین موضوع است که علامه امینی خود در ابتدای الغدير نوشته‌اند: «؛الغدير فی الکتاب والسنة والادب. کتاب دینی، علمی، فنی، تاریخی، ادبی، اخلاقی.» که همین شیوه منحصر بفرد، یکی از علل جاودانه شدن الغدير شده است.

مباحث جلد اول و دوم الغدير

در مورد محتوای 11 جلد منتشر شده «؛الغدير» باید گفت که علامه در جلد اول الغدير، به داستان غدير، بررسی سند حدیث غدير، آیات مربوط به حدیث غدير که عبارتند از: آیه تبلیغ (مائده/16)، آیه اکمال (مائده/3)، آیه سأل سائل (معارف/1-3) و بررسی دلالت حدیث غدير پرداخته است. در جلد دوم الغدير، علامه ابتدا اهمیت و چگونگی شعر در دنیای اسلام را مورد بحث قرار داده است و در ادامه به ذکر غدیریه‌هایی که توسط شاعران به زبان عربی سروده شده پرداخته است. علامه ذیل هر غدیریه به شرح حال غدیریه سرا پرداخته و اگر چنانچه در غدیریه و یا در دیگر اشعار غدیریه سرای مورد نظر، اشاراتی نسبت به مناقب امیرالمومنین و سایر اهل بیت علیهم السلام شده باشد منابع روایی اثبات آن مناقب را ذکر کرده است. در این جلد غدیریه‌های قرن اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است که غدیریه حضرت علی (ع) نیز در این جلد وجود دارد. یکی از غدیریه سراهای این دوره عمرو عاص است که علامه به تفصیل در مورد حیات وی بحث کرده است.

مباحث جلد سوم الغدير

علامه در مجلد سوم الغدير که ناظر به معرفی غدیریه‌های قرون سوم و چهارم است؛ صرفاً به غدیریه‌های مسلمانان اشاره نکرده است بلکه غدیریه‌های برخی شاعران مسیحی را نیز در این مجلد معرفی و به شرح آنها پرداخته است. آنچه که از غدیریه‌های مسیحیان استفاده می‌شود این است که جامعه مسیحیت نیز از فرمایشات پیامبر (ص) در غدير خم چیزی جز ولایت و امامت حضرت علی (ع) استنباط نکرده‌اند. در این مجلد علامه امینی ضمن پاسخ به افتراهای و تهمت‌هایی که اهل سنت به شیعه زده‌اند، 16 کتاب که در آنها به شیعه افتراهای نامربوط زده‌اند؛ معرفی کرده و آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

مباحث جلد چهارم و پنجم الغدير

در جلد چهارم غدیریه‌های قرون چهار، پنجم و ششم مورد بررسی قرار گرفته است. غدیریه سرایان این دوره 31 نفر می‌باشند. درباره شرح حال این 31 نفر که از علما و شعرای برجسته هستند؛ به طور مبسوط در این جلد بحث شده و خصوصاً میزان توانایی ادبی آنها مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. در واقع، روح حاکم بر این جلد، شعر و ادب است. در میان غدیریه سرایان این دوره، چهره‌های برجسته‌ای نظیر شریف رضی، سید مرتضی و خطیب خوارزمی دیده می‌شود.

غدیریه‌های جلد پنجم مربوط به اواخر قرن ششم تا اواخر قرن هفتم است. غدیریه سرایان این دوره 12 نفر هستند. قابل توجه است

که در غدیریه‌ها به برخی از مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) نیز اشاره شده است که علامه امینی آن مناقب را ذکر و مورد بررسی قرار داده است. از جمله مناقب حضرت، حدیث ردّ الشمس است که این داستان در این جلد بررسی شده است و نیز در باب جعل احادیث در خصوص خلافت خلفای غاصب نیز به صورت مشروح، سخن به میان آمده است. علامه امینی در اثبات مناقب ائمه هدی(ع)، تحقیقات عمیق و گسترده خود را در چند مرحله ارائه کرده است.

مبحث مهم دیگری را که علامه در این جلد به آن پرداخته‌اند مبحث جعل احادیثی در خصوص خلافت خلفای غاصب است. روایان دروغگو و کذاب برای اینکه انحراف از امامت حضرت علی(ع) را توجیه کنند به ساختن اکاذیب متوسل شدند و در مقابل هر يك از احادیث در مناقب امیرالمؤمنین علی(ع)، حدیثی را برای خلفا جعل کرده‌اند. البته جعل حدیث تنها به خلفا ختم نشد و پس از آن در مورد ابوحنیفه، شافعی، مالک و احمد بن حنبل هم رواج یافت و در مورد ایشان نیز احادیثی جعل شد.

در جلد پنجم الغدير نام 700 راوی از بزرگان اهل تسنن ذکر شده است که همگی آنها کذاب بوده‌اند. روایات و احادیثی که این 700 نفر ساخته‌اند در تمامی کتب اهل تسنن پراکنده است. شایان ذکر است که تنها 43 نفر از این 700 راوی، تعداد 408684 حدیث ساخته‌اند.

مباحث جلد ششم الغدير

غدیریه‌های هفت تن از غدیریه سرایان سده هشتم، با شرح و بررسی در این جلد نقل گردیده است. گفته شد که جعل کنندگان حدیث، در مقابل مناقب حضرت علی(ع)، مناقب و فضائلی برای خلفاء جعل می‌کردند. یکی از مناقب امیرالمؤمنین علی(ع) اعلامیت ایشان است که حدیث سازان برای خلیفه دوم احادیثی در باب علمش جعل نموده‌اند و علامه امینی 200 نمونه از این احادیث جعلی را در کتاب الغدير ثبت کرده است که 100 مورد آن در جلد ششم درج و با مستندات محکم جعلی بودن آنها را اثبات کرده است.

مباحث جلد هفتم الغدير

غدیریه‌های سه غدیریه‌سرا در جلد هفتم الغدير آمده است. این غدیریه‌ها متعلق به سده نهم ه. ق می‌باشد. در این جلد نیز علامه جدای از ذکر غدیریه‌ها، به رد داستانهای ساخته شده در مورد ملکات نفسانی خلیفه اول، پرداخته و معنای ملکات نفسانی را بیان می‌کند.

مباحث جلد هشتم الغدير

راویانی که به حدیث سازی و نشر اکاذیب اشتغال داشته‌اند مناقب بسیاری برای خلیفه اول جعل کرده‌اند. به شهادت تاریخ، تمامی مناقب و فضائلی که به ابوبکر نسبت داده‌اند دروغ محض است. در جلد هفتم الغدير به 28 نمونه از این مناقب جعلی اشاره شده، و در جلد هشتم نیز 42 نمونه دیگر از فضائل دروغین ابوبکر و 11 نمونه از مناقب مجعول خلیفه دوم مورد بررسی قرار گرفته است. در این جلد پیرامون حکومت، قضاوت‌ها، فساد مالی، بدعت‌های عثمان و نحوه برخورد وی با مخالفین به تفصیل سخن رفته است.

مباحث جلد نهم الغدير

در این جلد موضوع بحث، عثمان می‌باشد که کارهای خلاف و نامشروع او بالاخره داد مردم را در آورد و مورد حمله قرار گرفت. در جلد نهم تبعید ابوذر، عبدالله بن مسعود، مالک اشتر و اصحابش که جملگی توسط عثمان انجام شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

مباحث جلد دهم و یازدهم

در این کتاب موضوع بحث در مورد عبدالله بن عمر و معاویه است. معاویه نیز جزء کسانی است که حدیث سازان برای او نیز مناقب و فضائل بسیاری جعل کرده‌اند که در این جلد به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

در جلد یازدهم علامه امینی به موضوع معاویه و امام حسن مجتبی(ع) می‌پردازد و در اینجا به طور مبسوط به کشتارها و جنایات معاویه اشاره کرده و جریان قتل بزرگانی چون حجر بن عدی، عمر بن حمق، مالک اشتر، محمد بن ابی بکر و ... را مفصلاً ذکر می‌کند. موضوع دیگری که در این جلد مورد بررسی دقیق قرار گرفته عبارت است از طرح 100 نمونه از غلوها و قصه‌های خرافی که در طول تاریخ اسلام برای برخی از صحابه، تابعین، ائمه مذاهب، علما و عرفا جعل شده است.

نقش الغدير در معرفی شیعه و ایجاد وحدت اسلامی

با انتشار دایرة المعارف بزرگ و گران مایه «الغدیر» ستایش ها آغاز و نامه های فراوانی در تقریظ ، تمجید و تشکر برای علامه امینی فرستاده می شود. این تقریظها گاه از دانشمندان بزرگ شیعه و اهل سنت است و گاه از پادشاهان کشورهای اسلامی. پذیرش غدیر به عنوان محور حرکت اسلامی و بنیان حکومت دینی و مذهبی اسلام وجه اشتراک همه ستایشها است. محمد عبدالغنی حسن مصری، در تقریظ خود بر الغدیر می گوید : " از خداوند مسئلت می کنم که برکه آب زلال (غدیر) شما را ، سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد تا دست به دست هم داده و امت اسلامی را بسازند " (مقدمه، تحقیق مؤسسه دایرة المعارف فقه ، ص 314)

عادل غضبان مدیر مجله مصری " الکتاب " می گوید : " این کتاب ، منطق شیعه را روشن می کند و اهل سنت می توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند . شناسایی صحیح شیعه سبب می شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود ، و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند " . (همان، ص 331)

دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر، و اینکه چه عواملی می تواند مسلمین را نجات دهد ، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است ، می گوید : " کتاب الغدیر و محتویات پر بار آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد ، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده اند ، و حقیقت کجاست . ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم " (همان، ص 331)

علامه امینی با نگاه وحدت بخشی که بین جوامع اسلامی داشته است؛ با نگارش «الغدیر» روشن می سازد که اولاً منطق مستدل شیعه چیست و ثابت می کند که گرایش بیش از صد میلیون مسلمان به تشیع بر خلاف تبلیغات زهر آگین عده ای، مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است، ثانیاً ثابت می کند که بسیاری از اتهام ها به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است بی اساس و دروغ است و ثالثاً امیرالمؤمنین علی (ع) را که مظلومترین و مجهول القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است، می تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می کند.

علامه امینی با نگاهی که به مسئله وحدت اسلامی دارد، در پایان جلد سوم (جلد 4 تحقیق مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی) پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما ، از قبیل عقد الفرید ابن عبدربه ، الانتصار ابوالحسن خیاط معتزلی ، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی ، الفصل ابن حزم اندلسی ، الملل و النحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی ، منهاج السنه ابن تیمیه ، والبدایة و النهایه ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین ، از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری ، فجر الاسلام احمد امین ، الجولة فی ربوع الشرق الادنی محمد ثابت مصری ، الصراع بین الاسلام و الوثنیة قصیمی ، و الوشیعة موسی جار الله می گوید : " هدف ما از نقل و انتقاد این کتب ، این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتابها بزرگترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می آورد، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می کند، صفوف مسلمین را می پراکند ، هیچ عاملی بیش از این کتب، صفوف مسلمین را از هم نمی پاشد و وحدتشان را از بین نمی برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی کند

زندگینامه مختصر علامه امینی/ خاکسپاری علامه امینی در نجف اشرف

عبدالحسن احمد امینی که بعدها به «علامه امینی» معروف شد، بیش از يك قرن پیش یعنی در سال 1285 هجری شمسی، در یکی از روستاهای سراب از توابع تبریز به دنیا آمد. وی پس از کسب معارف اولیه در مدرسه علمیه تبریز و بهره مندی از محضر اساتیدی همچون سیدمحمد موسوی (مولانا) و حضرات آیات سیدمرتضی خسروشاهی و حسن توتونچی، در سن 16 سالگی راهی نجف اشرف شد. شیخ عبدالحسین در نجف، از محضر اساتیدی همچون سیدابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد نائینی، شیخ محمدحسین کمپانی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سیدمحمد حسینی فیروزآبادی، سیدابوتراب خوانساری، میرزا علی ایروانی و میرزا ابوالحسن مشکینی بهره مند شد. وی پس از 16 سال تلمذ از محضر اساتید و بهره مندی از معنویات امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف، در سن 32 سالگی به کشور بازگشت. اما شیفتگی او به مقام امیرالمؤمنین (ع) بار دیگر او را به نجف بازگرداند و در این مراجعت، به درجه اجتهاد نائل آمد.

مرحوم علامه امینی، از مجتهدان بزرگی همچون سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، علی اصغر ملکی تبریزی و آقابزرگ تهرانی اجازه روایت و نقل حدیث دریافت کرد. علامه امینی پس از مدتی تدریس، به تألیف کتاب های دینی روی آورد و رسالاتی همچون «شهداء الفضیلة» ، «سیرتنا و سنتنا» ، «تفسیر فاتحة الكتاب» ، «ثمرات الأسفار» ، «ریاض الأنس» و «المقاصد العلیة» را به رشته تحریر در آورد. اما مهم ترین اقدام علامه امینی در حوزه تألیف، کتاب «الغدیر» است. علامه امینی در دوازدهم تیرماه سال 1349 در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکر پاکش را به نجف منتقل کرده و در محلی نزدیک حرم امام علی (ع) به خاک سپرده شد، مدفن این عالم شیعی در «شارع الرسول» نجف اشرف واقع است؛ خیابانی که هم مدرسه الهندی

و مزار آیت الله حکیم (بزرگ) و خانه امام خمینی(ره) و هم کتابخانه علامه امینی و نیز مزار ایشان در آن قرار دارد.